



ترجمه‌علیه خردستیزی

نگاهی به آثار ترجمه شده توسط یدالله موقن

کتاب‌شناسی

**سمیرا درداشتی**

روزنامه‌نگار

شهر اصفهان و ساحت ترجمه و نشر ایران به تازگی دادگار خاموشی چیراغ زندگی مردی شده است که پژوهشگری متین و مترجمی دقیق بود. نام یدالله موقن برای همه علاقه‌مندان به فلسفه آشنا است و سال‌ها با تلاش‌های او در عرصه ترجمه دریچه‌های جدیدی از دانش و آگاهی را به روی خود گشوده‌اند. برای موقن فلسفه و فلسفی‌اندیشیدن تنها یک زینت نبود بلکه خود زندگی بود. آنجا که با بازماندن از تدریس در نتیجه نامایلات روزگار، ترجمه را آغاز کرد تا زیستن به این شیوه را تداوم بخشد. موقن ابتدا فیزیک نظری خواند ولی علاقه‌اش به فلسفه سبب شد که به تحصیلات خود در رشته تاریخ و فلسفه علم در دانشگاه لیدز انگلستان ادامه دهد. در بازگشت به ایران مدتی را در گروه فلسفه دانشگاه اصفهان مشغول به تدریس شد و در ادامه مسیر ترجمه را در پیش گرفت.

موقن ترجمه فلسفی را در وفاداری توأمان به متن در مبدأ و معنا در مقصد، در اوج انجام می‌داد چرا که هم زبان مبدأ را به خوبی می‌دانست و با فضا سازی که در قالب پیشگفتار انجام می‌داد خواننده را به جهان نویسنده اصلی اثر پیوند می‌داد. به علاوه در اغلب آنچه به موقن ترجمه چاپ رسیده، مترجم تلاش کرده تا نظرات سایر نویسندگان بزرگ در مورد آن اثر را نیز گردآوری کند و ضرورت مطالعه کتاب را به این واسطه برای خواننده آشکار کند.

خوانا کردن کاسیر

نام یدالله موقن به عنوان مترجم پیش از هر نویسنده‌ای با ارنست کاسیرر گره خورده است. کاسیرر فیلسوفی است که به مسائل فلسفی فیزیک مدرن علاقه‌مند بود و به یقین موقن یکی از کاسیررشناسان معاصر بود که اشراف کامل به فلسفه نوکاتی و حوزه اندیشه کانت و کاسیرر داشت و دریچه‌ای به جهان آثار او در فارسی گشوده تا خواننده فارسی زبان بتواند با آرا و افکار فلسفی در جهان غرب همگام شود. خود او در کتاب «ارنست کاسیرر: فیلسوف فرهنگ» درباره سابقه آشنایی‌اش با کاسیرر شرح می‌دهد که اولین بار در حراجی یک کتاب‌فروشی در اصفهان با اثری از کاسیرر برخورد کرده بود اما بعدها وقتی راهی انگلستان شد در کلاس تاریخ علم بارها نام کاسیرر شنید و به آثار و افکارش علاقه‌مند شد. همین بود که موقن بازگشت همه آثار موجود او به زبان انگلیسی را خریداری کرده و با خود به ایران می‌آورد و بعدها به ترجمه برخی از مهم‌ترین آنها پرداخت.

او در پیشگفتار «اسطوره دولت» درباره اهمیت کاسیرر می‌نویسد: «تاکنون برخورد ما با فرهنگ غرب جنبه ایدئولوژیک داشته است. کاسیرر در این است که او ایدئولوگ نیست بلکه پژوهشگر و دانشمند است. فرهنگ غرب را نه از چشم ایدئولوگ بلکه از چشم مورخی نسبتاً بی‌غرض و متفکری منصف می‌بیند و در عین حال اندیشیدن را فرا می‌گیرد.» موقن در جوانی به آثار نویسندگانی چون لوکاچ و اندیشمندان مکتب فرانکفورت علاقه‌مند بود. با این حال او به مرور به مسائل مربوط به «اسطوره» که در اندیشه کاسیرر جایگاه مرکزی دارد، علاقه‌مند شد و آن را در ربط با ایران نزدیک‌تر از مسائلی چون ساختار طبقاتی که در آثار مارکسیست‌های کلاسیک پررنگ‌تر بود، ارزیابی کرد. کاسیرر همانند کانت شناخت انسانی را تنها از راه صورت‌هایی از مفاهیم ذهنی و انتزاعی میسر می‌دانست که در واقع ابزارهای شناختی هستند اما راه کاسیرر در جایی از کانت جدا می‌شود که او این صورت‌ها را تنها به الگوهای عقلانی محدود نمی‌داند بلکه مفاهیم و الگوهای غیرعقلانی را هم بازگویی مهم در مسیر شناختی انسان تلقی می‌کند. چرا که منطق آگاهی بخش انسانی پیوسته عقلانی نبوده است و حواس و عواطف انسانی نیز در شکل بخشی صورت‌های

شناختی او دخیل بوده‌اند. بر این اساس کاسیرر ساختاری واحد برای خرد بشر قائل نیست بلکه خرد را مرکب از مؤزایک نیروهای گوناگون فرهنگی می‌پندارد. از نگاه کاسیرر «اسطوره» یکی از اولین و مهم‌ترین فرم‌های شناختی است. بر این اساس انسان برای آگاهی از هستی به یک‌باره از فرم عقلی شناخت آغاز نکرده و پیش از آن دوره‌ای طولانی از زندگی خود را با معرفتی ابتدایی به سر کرده است که همان «آگاهی اسطوره‌ای» است.

انسان و سمبل‌هایش

کتاب «فلسفه صورت‌های سمبلیک» مهم‌ترین اثر ارنست کاسیرر است که در سه جلد به رشته تحریر درآمده و از این میان تنها جلد دوم این اثر توسط یدالله موقن به فارسی ترجمه شده که «اندیشه‌های اسطوره‌ای» نام دارد. کاسیرر در این اثر به بررسی و تحلیل مقولات اندیشه اسطوره‌ای پرداخته و آن را با مقولات نظیرش در قلمرو علم مقابله و مقایسه کرده است. طبق تعریف کاسیرر انسان موجودی سمبل‌ساز است. انسان جهان‌های سمبلیک می‌آفریند که میان او و واقعیت حائل می‌شوند. فرم یا صورت سمبلیک به هرگونه انرژی روح اطلاق می‌شود که از طریق آن، محتوای ذهنی معنا یا نشانه‌ای محسوس و ملموس مرتبط شود. او با مفروض دانستن این پیش که «هر تصور و تصویری بر انسان فرمی سمبلیک دارد.» بر این نظر بود که اندیشه فلسفی انسان ابتدایی با بیانی سمبلیک آغاز شد و همان انسان شناخت خود را در جهان پیرامون را به زبانی سمبلیک از طریق اسطوره‌ها بیان کرده است. کاسیرر در این اثر منشأ اسطوره را نه فرارگردهای عقلی بلکه از عواطف بشری مانند آماز سوری دیگر معتقد است همه آن نظریه‌هایی که منحصرآ عاقله را منشأ پیدایش اسطوره می‌دانند، یکی نکته اساسی را در نظر نمی‌گیرند و آن اینکه اسطوره را نمی‌توان عاقله محض توصیف کرد زیرا که اسطوره بیان سمبلیک عاقله هست و بیان یک چیز خود آن چیز نیست. او در اثر این ابتدا به طرح نظریات فلاسفه دیگر در مورد اسطوره می‌پردازد و با نقد آنها به بحث روش‌شناسانه خود می‌رسد. روش کاسیرر در این اثر مقابله و مقایسه «مینوس» یا «لوکوس» یعنی «اسطوره» با «تفکر عقلانی» است.

کتاب دیگر کاسیرر یعنی «فرد و کیهان» درباره فلسفه رنسانس است که موقن آن را نیز به فارسی ترجمه کرده است. کتابخانه واربرگ در سال ۱۹۲۷ این کتاب را در مجموعه پژوهش‌های خود منتشر کرد. این اثر به دنبال سال‌ها پژوهش کاسیرر درباره فلسفه صورت‌های سمبلیک نوشته شد و به این مسأله می‌پردازد که چگونه روح رنسانس اندیشه قرون وسطی را زیر سؤال برد و پایه‌هایش را متزلزل کرد. کاسیرر به‌دقت نشان می‌دهد متفکران رنسانس چگونه به پیش خود از انتظام طبیعت دست یافتند. کتاب به موضوعاتی از جمله بررسی آرا و اندیشه‌های نیکولاس کوژانوس، جبر و اختیار در فلسفه رنسانس و مسأله سوزه-ایز-در در فلسفه رنسانس می‌پردازد و به طور کلی زبان، هنر و علم از یک سو و موضوع آگاهی فردی در رنسانس از سوی دیگر در این کتاب به تفصیل بحث می‌شود. همچنین دو بخش به صورت ضمیمه در کتاب وجود دارد. یکی از موقن تحت عنوان «چند نکته درباره پرسش‌های نو بودگی رنسانس» ترجمه کرده که نوشته خود کاسیرر است و ضمیمه دوم «نظریه کاسیرر درباره تاریخ، آن‌چنان که در بررسی او از اندیشه رنسانس ارائه شده است» نوشته جان هرمان راندال است که به فهم بیشتر کتاب کمک می‌کند.

در جدال با اسطوره‌اندیشی سیاسی

کتاب مهم دیگر کاسیرر «فلسفه روشنگری» نام دارد و موضوع آن تولد سوزه یا فرد انسانی است که زنجیره خرافات را پاره کرده و خرد خود را که محبوس پیش‌داوری‌ها بود، آزاد کرده است. «فلسفه روشنگری» استقلال فرد و حقوق سلب‌ناشدنی و تقویتی‌ناپذیر او را اعلام می‌کند و استقلال خرد و علم را در همه حوزه‌ها تأمین و تضمین می‌کند اما گویی این روند رهایی بخش فرد از زنجیره پیش‌داوری‌ها هنوز به کمال نرسیده بود که مسیر معکوس در پیش گرفت و انسانی که تازه از سیطره اسطوره‌های



برای یدالله موقن

فلسفه و فلسفی‌اندیشیدن تنها یک زینت نبود بلکه خود زندگی بود. موقن ترجمه فلسفی را در وفاداری توأمان به متن در مبدأ و معنا در مقصد، در اوج انجام می‌داد چرا که هم زبان مبدأ را به خوبی می‌دانست و هم به زبان فارسی و به زبان فیزیکی قابل ملاحظه داشت

کهن‌رهای یافته بود در جنگال اسطوره‌های سیاسی افتاد و مجدداً به‌بند کشیده شد. روش موقن در ترجمه «فلسفه روشنگری» آنگونه که خودش در مقدمه کتاب بیان می‌کند، این بوده که اول از روی ترجمه انگلیسی آن، مطلب را به فارسی برمی‌گردانده سپس آن را با متن اصلی آلمانی مقابله کرده است و هرگاه که میان ترجمه انگلیسی و متن اصلی آلمانی اختلافی اساسی وجود داشته، ترجمه فارسی را با متن اصلی منطبق کرده و حتی برای اطمینان متن را با ترجمه فرانسوی نیز تطبیق داده است. این اثر همچنین توسط ضیا موحد ویرایش شده است.

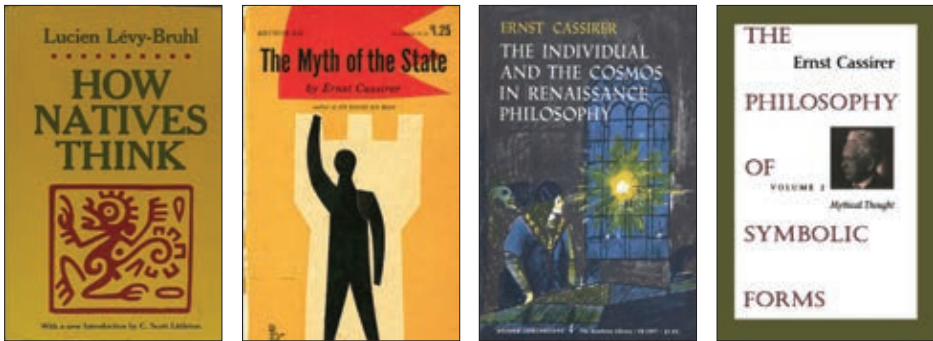
کاسیرر در تابستان ۱۹۶۱ به عنوان استاد میهمان در دانشگاه ییل عازم آمریکا شد و قصد داشت بعد از دو سال به سوئد بازگردد ولی به دلیل ادامه جنگ جهانی نتوانست و به همین دلیل با دعوت دانشگاه کالیفرنیا برای تدریس به آنجا رفت. او در مدت اقامت خود در آمریکا دو کتاب نوشت: یکی «رساله‌ای درباره بشر» خلاصه‌ای از «فلسفه صورت‌های سمبلیک» - و دیگری کتاب مهم «اسطوره دولت» که



در فلسفه سیاسی و تبیین نظام‌های نوتالیست که بعد از مرگ او به چاپ رسید. «اسطوره دولت» از لحاظی ادامه «فلسفه روشنگری» است و از لحاظی دنباله جلد دوم «فلسفه صورت‌های سمبلیک» است. کاسیرر اسطوره‌ای محسوب می‌شود. موضوع روشنگری «نبرد با اسطوره است ولی اینجا میدان رزم قلمرو سیاست است. در این اثر مجدداً شاهد محو سوزه یا شخص پرشگر هستیم. جامعه زیر سلطه اسطوره جامعه‌ای است و بر جامعه بسته تفکر اسطوره‌ای یا ذهنیت پیش‌منطقی حاکم است. به نظر کاسیرر فاشیسم یعنی تفکر جادویی-اسطوره‌ای که به تکنولوژی مدرن مجهز شده است.

در ساحت مؤلف

در کتاب «ارنست کاسیرر، فیلسوف فرهنگ»، موقن خودش در ساحت مؤلف دست به قلم می‌شود تا کاسیرر را برای خواننده ایرانی روایت کند. در این اثر پیش از هر زمانی می‌توان متوجه شد که موقن خود را تا چه پایه به کاسیرر نزدیک می‌بیند؛ چه به لحاظ سرگذشت علمی، چرا که در آلمان سلطنتی نیز هرگز به کاسیرر مقام پروفیسوری پیش‌نهاده نمی‌شود، مورد تبعیض علمی قرار می‌گیرد و نوعی آوارگی علمی را تجربه می‌کند،



چه به لحاظ روش کاری و سلوک فردی که درباره او می‌نویسد: «کسانی که با کاسیرر دیدار داشته‌اند و او را از نزدیک می‌شناخته‌اند از آرامش درونی تزلزل‌ناپذیر او سخن می‌گویند. این آرامش درونی با مهربانی و خوشرویی نسبت به دیگران همراه بود. این صفات نه تنها او را از حزن و اندوه دور نگاه می‌داشتند، بلکه او را وای داشتند تا برای هرج و مرج و سردرگمی حاکم بر اندیشه و احساسات، نوعی هماهنگی و انتظام ببینند.» البته که نویسنده علی‌رغم سابقه طولانی مطالعه و کار پیرامون کاسیرر، در این کتاب شیفته‌وار با او مواجه نمی‌شود و به قول خودش این کتاب «به قلم مریدی در مدح کاسیرر در تابستان ۱۹۶۱ به عنوان استاد میهمان در دانشگاه ییل عازم آمریکا شد و قصد داشت بعد از دو سال به سوئد بازگردد ولی به دلیل ادامه جنگ جهانی نتوانست و به همین دلیل با دعوت دانشگاه کالیفرنیا برای تدریس به آنجا رفت. او در مدت اقامت خود در آمریکا دو کتاب نوشت: یکی «رساله‌ای درباره بشر» خلاصه‌ای از «فلسفه صورت‌های سمبلیک» - و دیگری کتاب مهم «اسطوره دولت» که

بود که ذهنیت اقوام ابتدایی را بر پایه پژوهش‌های انسان‌شناختی بررسی کرد و برای ساختار ذهن انسان دو نوع ساختار قائل شد که آن را ساختار رازآلود و ساختار منطقی نامید یا همان که در قالب اصطلاحات کاسیرر ذهنیت اسطوره‌ای و ذهنیت علمی نامید می‌شود. در واقع علاقه موقن به ترجمه آثار لوی-برول به نوعی در امتداد همان علاقه به کاسیرر است چرا که آن‌گونه که خودش می‌نویسد «در واقع کاسیرر، لوی-برول آلمان است.» البته که نویسنده علی‌رغم ۱۲ مجله «نگاه نو» مقاله‌ای با عنوان «نظریه لوی-برول درباره ساخت ذهن اقوام ابتدایی» نوشت و سپس از آن تصمیم گرفت کتاب «کارکردهای ذهنی در جوامع عقب‌مانده» را به فارسی ترجمه کند. مترجم دلیل علاقه‌اش به لوی-برول را بزبونی می‌داند که او برعلل عقب‌ماندگی جوامع از جمله در خاورمیانه می‌اندازد و باور دارد نکاتی بسیار در ربط با ایران می‌توان از آن استخراج کرد. به علاوه معتقد است «نظرات لوی-برول به ما کمک می‌کند تا آثاری مانند: ایلایا و ادیسه هومر و مقدمه ابن‌خلدون، تاریخ جریر طبری، مروج‌الذهب و غیره را بهتر درک و تفسیر کنیم. حتی این را می‌توان گفت که او در فهم فلسفه‌های خردستیز معاصر نیز به ما کمک می‌کند.»

کتاب «کارکردهای ذهنی در جوامع عقب‌مانده» از مهم‌ترین آثار لوی-برول است که موقن آن را به فارسی ترجمه کرده است. لوی-برول در این کتاب معتقد است ذهنیت انسان ابتدایی متفاوت با ذهنیت ماست. البته نه فقط با ذهنیت انسان فرهیخته و دانشمند که ذهنی انتقادی دارد بلکه با ذهن انسان میان‌مایه غربی نیز متفاوت است. تفاوت در اینجاست که وقتی انسان ابتدایی یک شخص، یک جانور یا یک درخت را می‌بیند، همه خواص جادویی یا تابیویی‌اش را یکجا حس می‌کند اما عوام غربی دیگر این کلیت را حس نمی‌کنند. به باور نویسنده، تجربه بر ذهن ابتدایی بی‌اثر است. اگر تجربه بارها اعتقادات انسان ابتدایی را نقش کرده و پودجی آنها را به اثبات رسانده باشد، بازهم او در کاسیرر فلسفه و تاریخ و علم با هم درآمیخته شده است. کاسیرر علاوه بر نبوغ فلسفی و تاریخی، مباحث جدید در ریاضیات، فیزیک و زیست‌شناسی گرفته تا نقد ادبی، هنری، انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، اسطوره‌شناسی و تاریخ ادیان همه را دنبال می‌کرد و در رویکرد خود به کار می‌بست و همین بود که شاید فهم آثار او را دشوار می‌کرد اما برای مترجمی مانند موقن که خود دانش‌آموخته فیزیک بود و از آنجا راهی فلسفه شده بود، درونی کردن آنچه کاسیرر به رشته تحریر درآورده است و سپس ترجمه آن به زبان فارسی به مراتب از سایر مترجمان آثار این فیلسوف، کاری آسان‌تر و ملموس‌تر بود.

درگیر با مسأله ذهنیت‌ها

یکی دیگر از نویسندگانی که یدالله موقن در طول حیات خود به او توجه داشته و انتشار را به فارسی ترجمه کرده است، لوسین لوی-برول، فیلسوف و انسان‌شناس فرانسوی و استاد کرسی تاریخ فلسفه مدرن در سوربن است. او شاید اولین کسی

مروج فلسفه علم

یادی از اولین همکاری با زنده‌یاد یدالله موقن

یادداشت شفاهی

**ضیا موحد**

استاد فلسفه تحلیلی

نخستین ترجمه زنده‌یاد یدالله موقن از زبان انگلیسی، کتابی با عنوان «فلسفه روشنگری» بود؛ اثری از ارنست کاسیرر، فیلسوف و مورخ نامدار آلمانی که به سبب گرایش‌های فکری و تخصص خود در حوزه فلسفه تحلیلی و فلسفه علم شهرت دارد. فرد شاد و پرانرژی این کتاب را بر عهده بگیرم. آنچه در آن ترجمه توجه مرا جلب کرد، دلوایی شکراف

ایشان برای ارائه ترجمه‌ای دقیق و عرضه‌ای مقبول از کتاب بود. نشانه و مصداق این دلوایی در نوشته‌ها و توضیحات مندرج زنده‌یاد موقن در چاپ اول آن ترجمه مشهود بود؛ توضیحاتی برآمده از این تصور بود که

شاید مخاطب به آسانی مقصود متن را درنیاورد و از این رو به شرح و توضیح بیشتری نیاز داشته باشد. پانویست‌های مفصل آن اثر گاه بیش از اندازه و حتی تا حدی وسواس‌گونه می‌نمود، چنان‌که درخواست‌های مکرر او برای اصلاح پیش از چاپ، حتی تعجب ناشر را نیز برانگیخته بود. به هر حال، کتاب ویراستاری شد و او نیز در مقدمه اثر از همراهی‌ام تشکر کرد. البته برخی از آن توضیحات در چاپ‌های بعدی حذف شد. دوستی ما از ویراستاری آن کتاب در سال ۱۳۷۰، حدود ۳۵ سال پیش آغاز شد.

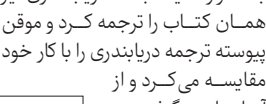
جدی و شیفته یادگیری

از آنجا که ساکن اصفهان بود، دوستان مشترک اصفهانی‌مان، بویژه احمد میرعلایی، بسیار از ویژگی‌های او سخن می‌گفتند؛ اینکه جوانی است جدی، شیفته علم‌اندوزی و صاحب کتابخانه‌ای بسیار غنی و پر بار. شاید برای مخاطبان امروز اندکی شگفت‌آور باشد، اما در آن زمان برای آنهایی که در آن شوره‌تاب زندگی می‌کردند

و از نظر مالی نیز دست‌شان چندان باز نبود تا هر کتابی را که مشتاق خواندنش بودند تهیه کنند، برخورداری از چنین کتابخانه‌ای امری کم‌نظیر و چشمگیر به شمار می‌آمد. اطلاع از شمار فراوان کتاب‌هایی که بی‌گمان با افراطی در میان طرح کرده بود بسیار بحث‌برانگیز شدند؛ از جمله این نظر که در ترجمه، بار فلسفی فلسفه کاهش می‌یابد. اگر کسی چنین اعتقادی داشته باشد، قاعدتاً نباید به ترجمه دیگر از زبان‌های دیگر دست بزند. البته این‌گونه باورهای افراطی در میان برخی فلاسفه کامیابش رواج دارد؛ همانند این سخن که «فلسفه زبان یونان است»؛ ادعایی که به گمانم پایه و اساسی استوار ندارد.

موقن در اصفهان فیزیک خواند، سپس به انگلستان رفت و در رشته‌های فیزیک نظری و تاریخ و فلسفه علم به تحصیل پرداخت. این پیشینه تحصیلی به او امکان داد بلی میان فیزیک و فلسفه برقرار کند و از این رهگذر به چهره‌های مؤثر در حوزه کاری خود بدل شود. در سال‌های گذشته فرصتی برای دیدار دست‌نهاد، اما از دوستانی که به اصفهان رفت‌وآمد داشتند هرازبندی خبری از او می‌شنیدم. گویا روظیفی هم با او نداشت.

موقن در مورد ترجمه این اثر در پیشگفتار آن گفته است که او به این دلیل کتاب را به فارسی ترجمه کرده است تا خواننده فارسی‌زبان نیز دریابد «انسان‌ها چه ابتدایی و چه غیرابتدایی چگونه می‌اندیشند.» کار ترجمه این اثر سه سال به طول انجامیده و موقن تأکید کرده است از آنجا که ترجمه انگلیسی این اثر مورد تأیید لوی-برول بوده است، ترجمه فارسی نیز از روی آن صورت گرفته اما اشاره دارد که به منظور بهبود کیفیت کار به نسخه فرانسوی نیز بارها رجوع کرده است. علاوه بر این کار، او کتاب «لوسین لوی-برول و مسأله ذهنیت‌ها» را نیز تألیف کرده و با مراجعه به آثار بسیاری از انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و فیلسوفان کوشیده تا معرفی جامعی از لوی-برول برای خواننده ایرانی فراهم آورد.



یدالله موقن از پشت - مدرنیسم تا پیش - مدرنیسم

البته به مرور این وسواس و افراطی از کارهای بعدی او رخت پرست. بعدها دو جلد کتاب را در همکاری با آقای کریمی و انتشارات نیلوفر منتشر کرد: «شیوه‌های اندیشیدن» و دیگری «از پیش-مدرنیسم تا پست-مدرنیسم». هر دو کتاب آثاری مهم بودند و به مسائل روز می‌پرداختند که سخن گفتن و فرصتی دیگری ملتب. در سال‌های که از ورود زنده‌یاد موقن به عرصه ترجمه آثار فلسفی می‌گذرد، او ترجمه‌هایی ماندگار عرضه کرد و کتاب‌های ارزشمندی را در اختیار علاقه‌مندان قرار داد؛ ترجمه‌هایی که ترجمه‌هایی سنجیده و مطالعه آنها همچنان را هگشتا ست. از نکات قابل توجه در کار او، پرهیز از ساده‌سازی‌های افراطی برای مخاطبان بود. او به اصل اثر وفادار می‌ماند و متن را فداي خواننده نمی‌کرد؛ امری که

بویژه در ترجمه آثار فلسفی اهمیتی بسیار دارد.

مترجم آثاری ماندگار

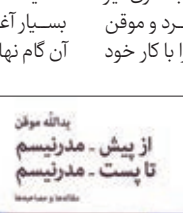
در سال‌هایی که بیکاری گریانش را گرفت، اندکی کم‌حوصله و گوشه‌گیر شد؛ وضعیتی که متأسفانه سال‌ها ادامه یافت. با این همه، زنده‌یاد یدالله موقن در معرفی و ترویج فلسفه علم در کشور نقش بسزا ایفا کرد. در نتیجه تلاش‌های افرادی چون او بود که در دانشگاه شریف و دیگر دانشگاه‌های معتبر کشور، رشته‌هایی برای تدریس فلسفه علم راه‌اندازی شد. نکته دیگری که درباره سال‌های فعالیت علمی - فلسفی زنده‌یاد موقن نمی‌توان از چشم پوشید، تاشی است که برای معرفی هرچه اثرگذار فلسفه غرب به مخاطبان ایرانی انجام داد. از مهم‌ترین آنها می‌توان به معرفی دقیق ارنست کاسیرر و ترجمه آثار او اشاره کرد. موقن در این زمینه‌ها در کنار ترجمه، مقالات متعددی نیز نوشت که مجموعه‌ای از آنها را انتشارات نیلوفر منتشر کرده است. برخی از مسائلی که در آن مقالات طرح کرده بود بسیار بحث‌برانگیز شدند؛ از جمله این نظر که در ترجمه، بار فلسفی فلسفه کاهش می‌یابد. اگر کسی چنین اعتقادی داشته باشد، قاعدتاً نباید به ترجمه دیگر از زبان‌های دیگر دست بزند. البته این‌گونه باورهای افراطی در میان برخی فلاسفه کامیابش رواج دارد؛ همانند این سخن که «فلسفه زبان یونان است»؛ ادعایی که به گمانم پایه و اساسی استوار ندارد.



شیوه‌های اندیشیدن

موقن در اصفهان فیزیک خواند، سپس به انگلستان رفت و در رشته‌های فیزیک نظری و تاریخ و فلسفه علم به تحصیل پرداخت. این پیشینه تحصیلی به او امکان داد بلی میان فیزیک و فلسفه برقرار کند و از این رهگذر به چهره‌های مؤثر در حوزه کاری خود بدل شود. در سال‌های گذشته فرصتی برای دیدار دست‌نهاد، اما از دوستانی که به اصفهان رفت‌وآمد داشتند هرازبندی خبری از او می‌شنیدم. گویا روظیفی هم با او نداشت.

موقن در مورد ترجمه این اثر در پیشگفتار آن گفته است که او به این دلیل کتاب را به فارسی ترجمه کرده است تا خواننده فارسی‌زبان نیز دریابد «انسان‌ها چه ابتدایی و چه غیرابتدایی چگونه می‌اندیشند.» کار ترجمه این اثر سه سال به طول انجامیده و موقن تأکید کرده است از آنجا که ترجمه انگلیسی این اثر مورد تأیید لوی-برول بوده است، ترجمه فارسی نیز از روی آن صورت گرفته اما اشاره دارد که به منظور بهبود کیفیت کار به نسخه فرانسوی نیز بارها رجوع کرده است. علاوه بر این کار، او کتاب «لوسین لوی-برول و مسأله ذهنیت‌ها» را نیز تألیف کرده و با مراجعه به آثار بسیاری از انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و فیلسوفان کوشیده تا معرفی جامعی از لوی-برول برای خواننده ایرانی فراهم آورد.



یدالله موقن از پشت - مدرنیسم تا پیش - مدرنیسم

بویژه در ترجمه آثار فلسفی اهمیتی بسیار دارد.